

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره چهارم - زمستان ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۴

شوریده شیرازی و خصایص سبکی دیوان وی

(ص ۳۴-۱۵)

زهرا اسفندیاری پور^۱، احمد خاتمی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده

شوریده شیرازی (۱۳۴۵-۱۲۷۴هـ.ق) از شاعران روشمند و توانمند معاصر ایران است. که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شوریده که از شاعران دوره بازگشت ادبی به شمار می‌رود. شاعری نسبتاً پر کار و با اشعار متنوع است و به لحاظ قالب و محتوا نوآوری‌های خاص خود را دارد. مقاله حاضر بر آن است تا با بررسی دیوان پانزده هزار بیتی شوریده، سبک شعری او را در سه سطح زبانی، ادبی، و فکری بررسی کند. و نشان دهد وجوه ممتاز و متمایز شعر شوریده کدامند. برجسته‌سازی واژگان و ترکیبات، بهره‌مندی از اصطلاحات و عبارات عامیانه، استخدام واژگان و کنایات و تمثیلات بومی، طنز و طنزپردازی، روحیه انتقادی و پرخاشگری در برابر نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی از مهمترین ویژگی‌های شعر اوست.

کلمات کلیدی: شوریده شیرازی، سبک بازگشت ادبی، شعر شوریده، ترکیبات عامیانه و بومی، صور خیال.

^۱ دانشجوی دوره دکتری زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم تحقیقات تهران. Z.esfand99@gmail.com

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی a_khatami@sbu.ac.ir

مقدمه:

محمد تقی شوریده (فصیح الملک) (۱۳۴۵-۱۲۷۴ هـ ق) از شاعران نامی معاصر شیراز است. که به لحاظ تاریخی، شاعر دوره قاجار و از نظر ادبی متعلق به دوره بازگشت ادبی است، ایرج میرزا در شأن او چنین سروده است:

استاد کُلّ فی الکُلّ شوریده است در شعر تنها نه من بر آنم مردم همه بر آنند
(دیوان ایرج میرزا، محبوب: ۱۸۱)

شرح احوال شوریده از زبان خودش به نقل از نگارنده فارس نامه ناصری «در سال ۱۲۷۴ هـ. ق زحمت افزای این سرای سپنجی شدم. در هفت سالگی هر دو جهان بینم را آبله پوشید آنچه کسانم در معالجه کوشیدند، بیفایده افتاد، از هشت سالگی مشغول تحصیل مراتب کمالیه گشتم و در سال ۱۲۸۵ والد ماجدم، طومار زندگانی را نوشته درگذشت و گاهی چند شعری گفته است و به نام خود که عباس بود تخلص مینمود از او شنیدم که از پدرش میگفت در نسب نامه دیدم که نسیم به «اهلی» شاعر شیرازی منتهی میشد.» (فارسنامه ناصری، جلد دوم، تصحیح و تحشیه رستگار فسایی: ۱۰۷۸)

«و از او جوانی به تحصیل علوم و کسب فنون از راه گوش پرداخت و در اثر داشتن حافظه بسیار قوی و هوش سرشار و قریحه شاعری بزودی پیشرفت شایانی کرد و سرآمد اقران شد و به سبب مکاتبه و مشاعره با شاعران نامدار زمان مانند صبوری خراسانی، ملک الشعراء بهار، ایرج میرزا، وحید دستگردی، و فیلسوف معروف میرزای جلوه، شهرت بسیار یافت.» (انجمن های ادبی شیراز، بامداد: ص ۲۴۶-۲۴۵)

شوریده در سال ۱۳۲۳ هـ ق در سن ۴۸ سالگی ازدواج کرد. «همسرش از دختران شاهزاده محبعلی میرزا، از نوادگان شیخ الملوک پسر فتعلی شاه قاجار و خودزنی فاضله و ادب دوست بود. از این زن شش فرزند پدید آمد به نام های: حسین، حسن، عباس، اقدس الملوک، حیدرعلی و نصرت الله. حسین خود شاعری توانا شد که بعدها تخلص شیفته را برگزید و حسن نیز ملقب به فصیحی و متخلص به احسان شد که هر دو سخنور و شاعرانی توانا شدند.» (تذکره شعائیه، تصحیح محمود طاووسی: ۲۵۸)

دیوان اشعار شوریده شیرازی مشتمل بر قصاید، غزلیات، مخسمات، مستزاد، قطعات، ترجیع بند، اخوانیات، متفرقات است. که در مجموع ۱۴۰۰۰ بیت است. از آثار دیگر وی «کشف المواد»، درباره ماده تاریخ های مختلف و «نامه روشندان» در شرح حال نابینایان معروف چون رودکی و ابوالعلاء معری و بشار است که در یکی از مسافرت هایش از بین رفته و در دست نیست. از فعالیت های ادبی شوریده میتوان به تصحیح دیوان سعدی، دیوان منوچهری، فرخی و خمسه نظامی اشاره کرد.

پیشینه تحقیق:

پژوهشها و مقالاتی درباره شوریده شیرازی و اشعار وی صورت گرفته است. برخی تحقیقات انجام شده عبارتند از: «شرح حال و آثار شوریده شیرازی (فصیح الملک، شاعر نابینای معاصر» فرشته فصیحی. (نوه شاعر) پایان نامه لیسانس ادبیات فارسی در دانشگاه ادبیات تهران، سال تحصیلی ۴۳-۴۲.

«نقد و بررسی صور خیال در شعر شاعران نابینا با تأکید بر غزلیات شوریده شیرازی» از فاطمه صادقی تبار، پایان نامه کارشناسی ارشد، سال ۱۳۹۲، دانشکده ادبیات دانشگاه قم.

«شرح مشکلات و ویژگیهای زبانی و سبکی غزلیات شوریده به همراه شرح احوال وی» بوسیله محمود خداوردی پایان نامه کارشناسی ارشد، سال ۱۳۸۸، دانشگاه شیراز.

« تصحیح دیوان غزلیات شوریده شیرازی» از سید محمد جواد ابراهیمی، رساله کارشناسی ارشد، شهریور ۱۳۸۸، دانشگاه علامه طباطبایی.

کتاب «شوریده روشندل شیرین سخن» از قدرت الله عفتی، از دفتر فرهنگ معلولین قم، پاییز ۱۳۹۰.

«آینه حق نما» حاوی اشعار توحید و مذهبی شادروان شوریده شیرازی توسط فرزند ایشان حسن فصیحی شیرازی «احسان» به صورت دست نوشته ایشان به چاپ رسیده است.

و نیز مقاله ارزشمند «شوریده شیرازی» از علی اصغر حکمت، مجله ارمان، شهریور و مهر ۱۳۰۵.

و « شوریده شیرازی» (فصیح الملک) و در افتادن او با پنج شاعر فحل زمان خود. از نصرت الله فتاحی از مجله وحید مرداد ۱۳۵۱، شماره ۱۰۴.

و مقاله « شوریده شیرازی» از دکتر منصور رستگار فسایی، از دانشگاه آریزونا که با بیانی شیوا به شرح حال شوریده و بررسی چند قصیده از جمله «موت الرجال»، «جشن سیاهان» پرداخته است. دی، ۱۳۸۸.

تحقیقات صورت گرفته در مورد شوریده بیشتر از منظر شرح حال وی و نیز بیشتر در زمینه غزلیات وی و تصحیح آن بویژه در دوره کارشناسی ارشد نگریسته شده است. علیرغم پژوهشهای ارزنده انجام شده هیچ پژوهشی در زمینه سبک شعری وی در ویژگیهای فکری، زبانی و ادبی بویژه قصاید وی انجام نشده است. پژوهش حاضر میتواند گامی مؤثر در این زمینه باشد.

روش تحقیق:

این مقاله به روش میدانی و کتابخوانی انجام گرفته و مطالب آن به شیوه توصیف، طبقه بندی و استنباط، بیان شده است. در این پژوهش تلاش نگارنده تبیین و بررسی شعر شوریده با بررسی اجمالی مختصات فکری، زبانی و ادبی شعر وی صورت گرفته است. از بین نسخه‌های مختلف، کلیات دیوان شوریده شیرازی جلد اول و دوم به خط و شرح و تحشیه حسن فصیحی شیرازی و به اهتمام خسرو فصیحی انتخاب گردید. که قریب به پانزده هزار بیت دارد.

در این پژوهش شماره صفحات تمام اشعار بر اساس دیوان شوریده شیرازی به خط و تحشیه حسن فصیحی به اهتمام خسرو فصیحی تنظیم شده است.

محتوای فکری شعر شوریده شیرازی:

۱-۱- مدح:

توجه عمده شوریده شیرازی در مدیحه سرایی در بخش قصاید وی بوده است. مدایح شوریده به سه بخش عمده اختصاص می یابد.

الف: اشعار توحیدی و مذهبی شوریده در توحید و ستایش ذات باریتعالی/ در نعت پیغمبر اکرم (ص)/ در مدیحه حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) / در منقبت امام هشتم حضرت رضا (ع) / در مدیحه حضرت امام عصر (عج) در منقبت حضرت سید میر احمد شاه چراغ/ در مورد آینه کاری بقعه حضرت سید علاءالدین حسین پسر موسی بن جعفر و ... که همه این اشعار توسط فرزند ایشان حسن فصیحی (احسان) در مجموعه ای تحت عنوان آینه حق نما گردآوری و نگاشته شده.

ب: پادشاهان و امیران که در این میان بیشترین مدح و ارادت وی به ناصرالدین شاه و مظفردالدین شاه که قصاید گرایی در مدح آن دو سروده که همه از شاهکارهای اوست. و احمدشاه قاجار و صدراعظم میرزا علی اصغر خان امین السلطان و حسین قلی خان مافی (نظام السلطنه) که نقش اساسی در راهیابی شوریده به دربار قاجار ایفا کرد. و شاهزاده حسین قلی میرزا نصرت السلطنه و شاهزاده فرمانفرما که همواره مورد ارادت شوریده بوده است.

ج: دوستان و شاعران. از جمله شاعران نامداری که با آنها مکاتبه و مشاعره داشته می توان به صبوری خراسانی، ملک الشعراء بهار، ایرج میرزا، وحید دستگردی اشاره کرد. و از دوستان دکتر کریمخان هدایت و دکتر محمد مصدق و آقا شیخ جعفر مجتهد محلاتی که مدح های وزینی از آنان توسط شوریده شده. در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام، به ذکر نمونه هایی از اشعار مدحی شوریده می پردازیم:

در منقبت حضرت سید میر احمد شاه چراغ:

| | |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| شاه چراغ ای آن کز تو شد چو راغ جهان | چراغخانه چرخ از رخ تو نورستان |
| شاه چراغی و مشکوه مشکوی توحید | مه مزیئی و مرآت جلوه یزدان |
| سلاله نبوی پور موسی کاظم | توئیکه بعد رضا فردی از همه اخوان |

(ج ۱، شوریده، ص ۴۰۰/ب ۴ و ۵ و ۱۴)

در مدح احمد شاه قاجار از مسافرت فرنگ و طاقهای نصرت عالی که شیرازیان در تجلیل از او بستند:

| | |
|---------------------------------------|--|
| گفت شوخی کای فصیح الملک ای شیرین زبان | جانب ملک جم آمد خسرو مالک رقاب |
| طاقهای نصرت عالی بهر جان ببین | هم تو طاق نصرتی بر بندای عالیجناب |
| پیش از آن کاید سوی اورنگ جم شاه عجم | من ببستم طاق نصرت را میان رختخواب |
| لیک این شوخیست من برتر ز طاق آسمان | بسته ام طاقی به مدح شه بسی با آب و تاب |
| طاقها گردد خراب و لیک طاق شعر من | تا قیامت در مدیح شه نمی گردد خراب |

(ج ۲، شوریده، ص ۵۴/ب ۵-۱)

مدح محمد کاظم صبوری پدر ملک الشعراء بهار و مقایسه آن با صبوری اصفهانی از متشاعران حاسد شوریده:

| | |
|-----------------------------------|------------------------------------|
| صبوری است حقیقی در آستانه طوس | که چون بسیج سخن کرد در معنی سفت |
| صبوری است دروغی کنون هم اندر فارس | چنانکه ماده و نر با کمال سلطنه جفت |

(ج ۱، شوریده، ص ۷۲۷/ب ۱ و ۲)

نکته‌یی که در اینجا شایسته گفتن است، اینکه شوریده در مدیحه سرایی همواره متین و وزین رفتار نموده و هیچگاه افراط نکرده، و بسیاری از اشعارش از عزت نفس او حکایت دارد. او هیچگاه هنر شاعری را دستاویز مدح خسان نکرده است. وی در یکی از اشعارش بخوبی به این موضوع اشاره دارد:

من نیستم آن کز خلق پاداش هنر خواهم یا مدح خسان گویم از گفته اثر خواهم
گر روی زمین دریاست من تشنه و خواهم مُرد از سفله نخواهم آب نا مردم اگر خواهم
(ج ۲، شوریده، ص ۲۲۳ / ب ۵۶)

۲-۱- هجو:

شوریده در کلیات دیوان خود، قصاید و مطایبات و هزلیات به هجویه پرداخته است. اشعار شوریده مشحون از هجوها و طنزها و انتقادهای اجتماعی و سیاسی است. بطوری که هجو بسامد بالایی در اشعار وی دارد. هجوهای او از این نوع «بعضی دیگرشان هجوهای است نیشدار با کنایه‌هایی گزنده یا مضحک در باب اطوار و احوال انسانی کنایه‌هایی که ظلم و تجاوز را غالباً پست میکند و حقیر. شهرت و قبول اینگونه هجوها غالباً به سبب لذتی است که انسان گهگاه از اهانت دیدن دیگران میبرد و مخصوصاً از اهانت دیدن کسانی که رفتارشان یا وجودشان اهانتی است با انسان. هجو یک محتسب یا قاضی، هجو یک امیر یا وزیر غالباً از همین لحاظ نزد عامه شهرت پیدا میکنند و قبول. (شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، زرین کوب: ۱۶۹-۱۶۸).

شوریده نیز از این امر مستثنی نبوده. او بطور مستقیم به هجو اشخاصی چون میرزا فتحعلی خان صاحب‌دیوان. «شعاع الملک» مشهور به لکلک الشعراء که همواره مورد انتقاد و هجو شدیدالحن شوریده بوده است. او نیز در تذکره شعائیه در توصیف هجوآمیز شوریده از هیچ عبارتی ابایی نداشته.^۱ و هجو حاسدانی چون علی شیرازی معروف به فصیحی^۲ و غلام آبکش و فرهنگ وصال نظر داشته است. و نیز نوبخت مدیر روزنامه زبان آزاد و عزالمالک اردلان پیشکار مالیه فارس و علاءالدوله والی فارس و میرزا حسن دوافروش و میرزا علی محمد قوام و ابوالحسن خان مشیرالملک و ... جهت نمونه به سه تا از این افراد اشاره می‌شود:

هجو شعاع الملک:

خال ننگی که لکلک الشعرا است بر سخن جاودانه میماند
شعر او بر خلاف خواهر اوست ؟؟؟
خواهرش می‌رود ز خانه برون گفته او بخانه می‌ماند
(ج ۲، شوریده، ص ۱۱۸ - ۱۱۶ / ب ۱-۲)

هجو میرزا حسن دوافروش:

^۱ نگاه: به تذکره شعائیه، تصحیح و تکمیل و افزوده‌های محمود طاووسی، صص ۲۴۶، ۲۶۴، ۴۴۶.
^۲ -برای آگاهی بیشتر از داستان زیبایی این حسادت و سرانجام آنکه موجب افزونی ترقی و محبوبیت شوریده گشت به جلد اول ص ۹۵۰ و ۴۰۰ مراجعه شود.

میرزا حسن دوافروش که عضو انجمن بلدیه بود و مهمترین عامل تحریک کننده در عدم پرداخت مختصر ماهیانه برای تنظیف و تنویر مقبره سعدی که شوریده تولید آن را به عهده داشت. شوریده آن را گرچه و کپ به دوش معرفی میکند:

این کیست که پیش سیل خیرات سدّی شده است و بخل خوش است
این سافل که کدّام زن بزمزد است این گرچه کدّام کپ بدوش است
گفت از که خرنند حبّ اسهال یعنی حسن دوا فروش است
(ج ۲، شوریده، ص ۷۳۰/ب ۱۴ و ۱۳ و ۱۲)

۳-۱- مفاخره:

توجه به خودستایی و فخر به شعر و هنر خود از دیرباز در شعر شاعران دوره های مختلف مدنظر شاعران بوده است. و به قول شمیسا « حتی فردوسی و سعدی و حافظ هم مفاخره دارند اما اینگونه مفاخرات معتدل از چنین شاعران بزرگی معمولاً دلپسند افتاده است. چه شاعران متوسط هم از خود ستایش کرده اند.» (انواع ادبی، شمیسا: ۲۲۶)

شوریده نیز بارها به هنر شاعری و سخنوری خود تفاخر می کند و مفاخره‌هایی اصیل با بیانی حماسی می‌آفریند. مانند ابیات زیر:

من نه شوریده اعمایم کاندرا این عصر بوالعلای دگر و ابن عباد دگرم
هر کجا رو نهم از طبع خوش و دولت شعر گر بطیبت نبری مفت زمن مفتخرم
(ج ۲، شوریده، ص ۲۲۲/ب ۱۳ و ۱۲)

۴-۱- شکوه و شکایت:

شوریده شاعری حساس و ناقدی موشکاف دقیق به احوال زمانه خویش است. او در زندگی شخصی خود همواره با فراز و نشیبهای فراوانی مواجهه شده، که یکی از این سوانح دردناک که در سن هفت سالگی برای او اتفاق افتاد اینکه از هر دو دیده نابینا شد. یقیناً این عامل و سایر موارد دیگر میتواند تأثیر ژرف و عمیقی در مضامین شکوه آمیز او داشته باشد. شکوه و شکایت از مضامین اصلی اشعار شوریده است. وی بارها از حاسدان و متشاعران شکایت میکند. و نیز از روزگار و اشاره به هرج و مرج امور فارس و نیز در گله از دوستان خویش و اشاره به سختی وضع ارزاق شیراز (ج ۱، ص ۲۹۶). و در شکایت از مردم روزگار و رواج بازار بیداد در ایران (ج ۱/۳۵۰)، در شکوه از عدم پرداخت مرسوم خود، در شکوه از نایابی زغال و شکایت از دوری فارس و گاهی گله از دوستان خود چون شاهزاده ابوالحسن میرزا و یا در گله از محمد باقر خان دهقان و اشاره به سختی ارزاق شیراز و ماه رمضان و حتی گاهی گله از چهره و زشت هیکلی خود. (ج ۲/۳۱۱)

اینها تنها نمونه‌هایی از مضامین شکوه آمیز شوریده هست. اینک به دو نمونه از آن ابیات اکتفا میکنیم: اشعار شکوه آمیز زیر را در هجو مدیر روزنامه زبان آزاد (معاون السلطنه) مطبوعه تهران که به شیخ اجل سعدی توهین کرده بود. گفته است. چنانکه ملاحظه میشود کاربرد اصطلاحات تند و

هجوآمیز، غر، تملق، هیز، گور پدر زبان آزاد، در اشعار ذیل دلالت بر ارادت راستین شوریده به سعدی است. و اصلاً برایش مهم نیست که توهین کننده چه کسی یا چه مرجع و مؤسسه ای باشد.

دوشینه بخواب من در آمد سعدی به دو صد خروش و فریاد
(ج ۲/ص ۱۰۹/ب ۱۱)

یک غر چوپس جریده بنشست زر بستد و بر تملق استاد
حیز دگر از برای شهرت خاک من و خویش داد بر باد
(همان/ص ۱۱۰/ب ۱۵ و ۱۴)

شک نیست که این خلل در ایران از نشر جریده های بد زاد
این شکوه من ازوست ورنه گور پدر زبان آزاد
(همان/ص ۱۱۱/ب ۱۳ و ۱۴)

۲- اختصاصات زبانی شعر شوریده:

۲-۱- زبان و بیان مهمترین خصیصه ممیزه شعر شوریده از دیگر شاعران معاصر خود است. زبانی که از یک سو ریشه در شعر کهن فارسی به ویژه سبک خراسانی و عراقی دارد و از سوی دیگر، ریشه در زبان معاصر و روزمره مردم عادی. زبان او گونه تعالی یافته سبک بازگشت است. و نه مانند شاعران نخستین نهضت بازگشت خام و ابتدایی. بطوری که زبان او «سهل ممتنع» به نظر میرسد. البته در زبان شعری او بسیاری از ویژگیهای زبانی سبک بازگشت وجود دارد. یکی از این ویژگیها که شوریده در قصیده معروف «حماریه» با رعایت صنعت «التزام» به زیبایی آن را به کار برده است. کاربرد الف اطلاق و کاف های تعظیم و تصغیر، تحقیر، ترحم و غیره. «در دوره بازگشت به تقلید از زبان قدیم استعمال الف اطلاق دوباره مرسوم شد». (کلیات سبک شناسی، شمیسا: ۲۵۶) منظرکا، انورکا، زیورکا، چنبرکا، عنبرکا، نیلوفرکا، شوهرکا، سیسنبرکا، خاکسترکا، معجرکا و ... کاربرد انواع کافها مانند «مشاطه اکی»، «چابککی»، «نازککی»، «شانه اکی»، «طره اکت»، «خرکی»، «شوخ ترک».

نو بهار است آلا دلبر سیمین برکا مَسَنَدک را سوی صحرا بکش از منظرکا
جوی مشاطه اکی چابککی نازککی تا بیارایدت از زیب و زر و زیورکا
(ج ۱، شوریده، ص ۱۵۶/ب ۱۵ و ۱۴)

و نیز کاربرد واژهها و افعال کهن و تعمد در به کارگیری برخی از این واژگان در شعر او به وضوح مشخص است. و اینک نمونه هایی از آن واژهها و افعال کهن:

- «گیرم» به معنی فرض کنم. (ج ۱، غزلیات، ص ۵۴۵/ب ۴)

گر چشم تو صد تیر بدل زد زده گیرم صد جان به نگاه تو فدا شد شده باشد
- «بمیری» به جای بمیری. (همان/ص ۶۱۱/ب ۱۲)

گویی که دوایم اتحد است ترسم بمیری زبی دوائی
- «آزیر» به معنای قوی، توانا (کهن) (ج ۱، ص ۲۶۰/ب ۲)

منم که دیده براه تو بوده ام همه عمر منم که دل بهوای تو کرده ام آژیر
- کاربرد واژه کهن «سترون» (همان، ص ۲۲۷/ب ۱۰)

مانا که مام دهر سـتـرون گشت
 -و نیز «خندریس» (همان، ص ۴۵۳/ب ۱)
 نرم نرمک مژده ده از پارلمان فتنه سوز
 -کاربرد فعل «نماز بردن» (ج ۲، ص ۲۶۶/ب ۲)
 پی تو نماز بُردمی فاش
 -و یا: «نگرانم» (همان/ ص ۳۳/ب ۱۰)
 کنیزکی که بمن وعده خان یاغی کرد
 -«نداند» به جای نشناسد (ج ۱، ص ۵۸۴، ب ۱۰)
 دلم بی روی و موی او نداند
 شب تاریک را از روز روشن

۲-۲- زبان طنز آمیز شوریده شیرازی:

«آن نوع ادبی، که در السنه غریبی Satire نامیده میشود و در فارسی طنز اصطلاح شده، عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهات زشت و منفی و «ناجور» زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق آمیز، یعنی زشت‌تر و بد ترکیب‌تر از آنچه هست نمایش می دهد، تا صفات و مشخصات آنها روشن تر و نمایان‌تر جلوه کند و تضاد عمیق وضع موجود با اندیشه یک زندگی عالی و مأمول آشکار گردد. (از صبا تا نیما، جلد دوم/ آزادی/ تجدد، آریان پور، ۳۶)

طنز پردازی و شوخ طبعی^۱ از خصایل بارز شعری شوریده میباشد که در شعر او نمود بسیاری پیدا کرده است. دیوان شعری او مشحون از این گونه نمونه های طنزپردازی است. بطوری که جلد دوم دیوان او به مطایبات و هزلیات وی اختصاص یافته. و جذابیت شعری او را میتوان مرهون دیدگاه طنزی او دانست. شوریده در بیت پایانی قطعه ارسالی برای مظفرالدین شاه که دیوان او را خواسته بود با زبان طنز چهره خود را به باد سخره گرفته:

نیست لختی فرصت از چنگ فرشته طلعتان
 این مجدرّ شکل شخص همچو شیطان مرا
 هم اگر خواهد شه اسبابی برای خنده نیز
 به که دیدار مرا خواهد نه دیوان مرا
 (ج ۲، ص ۲۵/ب ۴۵)

در مورد بهاءالسلطنه که در رها کردن تیز مهراتی داشته و متصدی باغ رشک بهشت شیراز بود سروده است:
 ورخود سوی دوزخ است ای یار عزیز
 از رشک بهشت تا توانی بگریز
 کانجا بپذیرایی مهمان بانگی
 از صاحب باغ نشنوی الا تیز
 (ج ۲، ص ۱۸۴/ب ۳۴)

^۱ یکی از حاضر جوابی های زیبا شوریده با خود ناصر الدین شاه درباره اجازه مراجعت به شیراز و ازدواج او بوده که دوستان هم عهدم زن گرفته اند و من هم باید بروم و عهد بشکنم. که در این بین حرفهایی رد و بدل میشود که دال بر حاضر جوابی صریح شوریده با چاشنی طنز و شوخی دارد. برای مطالعه این داستان به مجله وحید شماره ۱۰۴، «شوریده شیرازی و در افتادن او با پنج شاعر فحل زمان خود نوشته نصرالله فتحی مراجعه کنید.

این بیت اشاره به یکی از تظاهرکنندگان به زهد است که در آن شب رازش فاش و ملعبه زنان هر جائی واقع گردیده:

چشم پوشی می نشاید کرد در قانون عمل از چنین زاهد که چشمش بر زنان برزن است
(ج ۱، ص ۷۱۵/ب ۷)
ونیز: شیخ کز وسوسه سجاده به دوش افکندی دوش از کوی مغان باده گسار آمد
(ج ۱، ص ۵۵۵/ب ۱۲)
ویا: مست ریاست زاهد ما مست باده عشق گر معتقد به دینی مائیم پاک دینان
(ج ۱، ص ۵۸۰/ب ۲)
چند زن روزی همی رفتند با هم دورهمی زان میان زیبا زنی برگشت و با من کردروی
گفت کاین شوریده است آن شاعر گردن قوی گفتمش آری منم گر خدمتی داری بگوی
(ج ۲، ص ۳۲۱/ب ۱و ۲)

۳-۲- بکارگیری واژه های عامیانه و محاوره ای (هنجارگریزی سبکی):

استفاده از لحن و اصطلاحات عامیانه و روزمره در شعر شوریده به اوج خود می رسد. شوریده با اینکه با سواد بوده اما همچون بسیاری از شعرای دوره بازگشت از به کار بردن این واژه های متداول ابایی نداشته و این خود نشان دهنده مخاطب شناسی عمیق شوریده است نه ضعف زبانی او. همین پرداختن به اصطلاحات عامیانه و واژه های بومی موجب تشخیص سبکی اوست. رکن زاده آدمیت مینویسد: «شوریده در بدیهه سرایی مخصوصاً در سرودن اشعاری که متضمن کلمات عامیانه و اصطلاحات اهالی فارس است ید طولی داشت. و بعقیده نگارنده حفظ و نگهداری آن اشعار بر اهل ذوق و لغویون واجب است» (دانشمندان و سخن سرایان فارس، رکن زاده آدمیت: ۳۲۴)

نمونه های ترکیبات، اصطلاحات و واژگان عامیانه که برخی از این واژگان معنای کنایی میدهد:

نمونه ها در جلد اول:

۱۹۶ قلیق / ۷۱۰ قلیه / ۶۹۲ قنبرک کردن / ۷۶۸ کارد به استخوان رسیدن / ۲۵۱ کره خر / کشک
(۴۴۶) ۲۳۷ کشیده / ۲۶۷ کک به تنبان افتادن / ۴۶۶ کنجه / ۷۴۲ گوربابای کسی / ۱۸۱ لاف زدن /
۷۲۰ لقمه گنده تر از دهن برداشتن / ۷۲۵ جگر لک زدن / ۲۵۰ لیف / ۳۱۰ نندلند / ۵۸۷ مو به مو /
۲۹۹ نذر کردن / ۷۸۰ نورعلی نور / ۲۳۲ ورشکست / ۴۸۶ وق زدن / ۱۵۷ هوس شوهر کردن / ۱۷۶ یادش
به خیر / ۶۲۰ یک تار مو کسی را ندادن / ۸۲۵ یک تنه / ۳۱۹ یی یی / ۴۸۱ آب از سرش گذشته / ۸۳۳
آس / ۷۲۰ آه کسی گرفتن / ۸۱۱ از جان سیر شدن / ۴۲۵ از زن کمتر / ۷۱۵ اشرفی / ۳۵۹ انگشت به
کون / ۴۶۶ باجی / ۲۲۰ باداباد / ۳۳۸ باقلا / ۲۸۹ بچه خوره / ۳۶۸ بخت کسی بلند بودن / ۳۱۳ به
درک / ۳۹۷ به پای کسی افتادن / ۳۰۲ به جوش آمدن / ۱۹۵ چشم هم چشمی / ۲۶۹ به خون کسی
تشنه بودن / ۸۳۴ به روح پدرت / ۲۸۶ پا از گلیم خود درازتر کردن / ۵۵۹ پای خود را روی سر کسی
گذاشتن / ۷۷۲ پدر کسی را سوزاندن / ۸۳۳ جلف / ۴۸۸ چس نفسی / ۲۹۳ چشمت آن روز نبیند / ۷۳۱
خاک برسرش کنند / ۴۲۴ خربزه آب فکر نان باید کرد / ۱۶۸ دهن کسی بوی شیر دادن / ۳۱۸ ریدن تو
چیزی / ۸۴۵ شتیل / ۱۵۷ شیشکی بستن / ۷۴۷ ظرف خورش / ۱۷۳ قدمت روی چشم / و الخ.

نمونه‌ها جلد دوم:

۳۱۵ مارمولک/۳۱۷ هر دمبیل/۴۶۷ چروک/۲۰۰ ماشک/۲۰۴ جگرک/۲۰۴ جنده/۲۰۵ دل چرک/
۲۰۷ در خشتک رییدن/۲۷۳/یاق/۲۹۴ کبریت، نمک، پیاز/۳۱۵ تار سیل گرو گذاشتن/۳۲۸ نه به آن
شوری شور نه به این بی نمکی/۳۸۷ بی پدر.....

ز بعد آنهمه الطاف و مهربانی‌ها بهل که کار بجان کارد باسختخوان برسد
(ج ۱، ص ۷۶۸/ب ۱۱)

م مملواز گوشست بود ظرف خورش کاسه قیমে پر ز روغن بود
(همان ص ۷۴۷/ب ۹)

آن یکی در فغان که ای یاران زن من دختر از چه رو زاده است
(ج ۲، شوریده، ص ۸۵/ب ۹)

- در این بیت بار عامیانه آن نیز مد نظر شاعر بوده است.^۱

۴-۲- کاربرد واژه های بومی (شیرازی):

کاربرد اصطلاحات، ترکیبات بومی (شیرازی) در اشعار شوریده بسامد نسبتاً بالایی دارد. که این خود علاقه مفرط شوریده را به فرهنگ شیراز و مردم آن دیار و سامان میرساند. «و در اغلب قصاید واژه‌ها و اصطلاحات شیرازی را در کمال مهارت بکار برده، از قصاید معروف او که واژه‌ها و اصطلاحات را زیاد در آنها بکار برده و هر یک را میتوان شاهکاری دانست عبارتند از: جشن سپاهان، حماریه، چل کچلک، خلعت پوشان، خانه من» (انجمن های ادبی شیراز، امداد: ۲۵۴)

نمونه‌های ترکیبات، اصطلاحات و واژگان بومی در دیوان شعری شوریده (جلد اول)
۴۱۳ اُرسی / ۶۹۲ پل نبودن / ۷۲۴ پلنگک / په لُون کچلک (پهلوان کچلک) / ۱۵۷ تکل / ۶۸۹
چکه کردن / ۳۱۸ چل کچلک / چیتان چیتان / ۳۱۲ حنای کفک / ۳۱۲ خارک / ۱۵۷ ختنه
سرون / ۴۱۵ خزوک / ۳۱۲ خشتک بریدن / ۲۴۷ خفت / ۷۸۳ خورک / ۴۶۶ دبنگوز / ۲۳۱
ورک / ۴۶۷ رنگرنگو / ۶۸۹ زگه / ۴۶۶ ستمپوز / ۶۹۱ سُر سرک / ۳۱۹ سقز / ۷۸۰ سقنقور /
۳۳۸ سی چه / ۴۶۶ سیرموک / ۴۶۷ سیسپوک / ۶۹۱ شرشرک / ۶۹۱ شُل = گِل و خاک تر / ۶۹۲
شور با قنطر = نوعی بازی محلی / ۴۶۷ فنگفنگو / ۳۱۴ کپک / ۴۶۵ چوکلوک / ۳۱ گوز به الک /
۴۶۶ گوگ = زگیل / ۴۶۷ لاک و لوکی / ۷۹۹ لچر / ۳۱۰ لور / ۳۱۴ مکک / ۴۶۷ منگمنگوا /
۳۰۹ نان و نمک تازه کردن / ۷۹۷ نانجیم / ۶۹۱ نیفه / ۳۲۰ ورمترک / ۶۸۹ وگه / ۲۳۳ هااک
/ ۴۶۷ هرپوکی = هل پوکی / ۶۹۱ نیفه / ۳۲۰

^۱ «معمولاً وقتی زن پسر می‌زایید، کسی که این خبر را به پدر نوزاد میرسانید، مژدگانی خوبی دریافت میکند. نیز جشن شب شش و روز حمام زایمان نوزاد پسر را چرب تر و پر طول و تفصیل تر می‌گرفتند. مادر نوزاد پسر هم بسیار سرافراز و ارج و قربش نزد شوهر و کسان او بیشتر بود. اما اگر نوزاد دختر بود، همه‌ها می‌رفتند. (از خشت تا خشت، کتیرایی، ص ۲۳-۳۲)

نمونه‌ها در جلد دوم:

۲۳۳ بیجک / ۳۱۲ گندیک چارک = خایه وزین / ۳۱۳ شافوتک / ۳۱۴ اورک / ۴۶۵ ززوک / ۴۶۷
بارگه (بارک الله) ۳۶ خاگینه / ۱۵۱ دله / ۱۵۷ جکیدن / ۱۹۳ الچک / ۱۹۷ ترتیزک / ۲۰۴
بزک / ۲۰۵ رباتربیک = نوعی داروی قدیمی / ۱۵۷ ۲۰۶ میخک / ۲۰۶ مچک / ۲۰۶ اولوگ /
۲۱۳ زمبل هرت / ۲۹۳ چنه / ۱۲۹۴ چکنه / ۳۰۵ پیرسوک / ۳۰۵ پروکی / ۳۰۵ فوک فوک /
۳۴۰ آغزه / ۳۴۴ چرچر / ۳۶۴ آپیکا / ۳۷۷ آنگشت / ۴۰۳ کچین / ۲۸۹ کاکا / ۲۸۹ نیوقه =
۴۵ مثقال یک شانزدهم من شیراز است. ۲۳۴ اشتتنقوس (برای افراد پرافاده به کار می رود) به
اصطلاحات و کنایات و ترکیبات شوریده شیرازی در فرهنگ واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کاررونی
علی نقی بهروزی بسیار استشهد شده است. از جمله در مدخل‌های انچوچک، ایغذه، پر خوردن،
پفک، پل، تک، تک و لک، جنگ جنگک = یک نوع اسباب بازی کودکان / چوکلوک = لوروکشک /
چیتان چیتان / خشت در کردن، دیرک، زورچیان، زیر جلی، قوزک خوردن، کوک کردن،
واسونگ، هفتک وسینک = مشاجره لفظی توأم با خشونت / از ابیات شوریده به عنوان شاهد مثال
استفاده شده است. این خود نمایانگر تبحر کامل شوریده بر کلمات محلی است. و به حق سروده
های او در این زمینه از ابداعات اشعار فارسی است. به واژه‌های بومی در ابیات زیر از قصیده

معروف «چل کچلک»^۱ بنگرید

| | |
|--------------------------------------|--|
| گاه در این شل و گل می چمد آن ترک چکل | چشم بدور بسی فرز تر از پر پروک |
| گویدم هی لک و لنجم بچک و پوز ببوس | گویمش بی بی یعنی که نه پوز است و نه چک |
| | (ج ۱، ص ۳۱۹/ب ۱ و ۲) |
| دوش در محضر جمعی ز عز یزان بودم | هر یک از شدت سرما زده کنجی چنیک |
| گفتم ای معشر یاران پی قطع باران | بس مفید است و مجرب رسن چل کچلک |
| | (همان، ۳۱۹/ب ۶ و ۷) |

۳- ویژگی‌های ادبی هنری شعر شوریده:

۳-۱- از نظر ادبی شعر شوریده متعلق به دوره بازگشت ادبی است. در قصیده پیرو شاعران سبک خراسانی و عراقی و در غزل به سیاق سعدی و حافظ است. در دیوان او ردیف دارای بسامد بسیار بالایی است. بسامد بالا ردیف در آثار شوریده توجه بر انگیز است. نکته قابل یادآوری اینکه شوریده مانند بسیاری از شعرای سبک بازگشت نه تنها از تکرار ردیف ابایی ندارد بلکه آن را نوعی هنرنمایی شاعرانه می‌پندارد:

۱. چل کچلک [chel-kachalak]. هنگامی که باران شدید میبارد. پیرزنان قطعه نخ را گرفته و نام چهل نفر که سرشان کچل باشد ذکر کرده و با ذکر نام هر کچلی، یک گرهی بدان نخ میزنند و چون کامل شد، آن را در زیر ناودانی که رو به قبله باشد دفن میکنند. و معتقدند که در اثر این کار باران متوقف خواهد شد. (واژه‌ها و مثل‌های شیرازی و کاررونی، بهروزی: ۲۱۸).

مثلاً در قصیده‌ای مطایبه‌ای با مطلع:

هم لقب با بلبل شوریده‌ای اندلیب الفت از گله‌ها چرا ببریده‌ای اندلیب
(ج ۲، ص ۵۵/ب ۱)

ردیف ای عندلیب را ۱۲ بار تکرار کرده و نیز در قصیده دیگری با مطلع: آن سماعیل که اندر کنف
ظل حکیم روز و شب دست بزیر چنه چنیک زده است. (ج ۲/ص ۶۱) ردیف زده است را ۲۲ بار تکرار کرده
است. و نیز در جواب قصیده ایرج میرزا که ردیف آن (بیچاره مادر) بود ردیف زیبای بیچاره پدر را با مطلع:
پسران ده دله و یکدله بیچاره پدر شده زان دستخوش مشغله بیچاره پدر
(ج ۲، ص ۱۶۷)

ردیف بیچاره پدر را ۲۸ بار تکرار کرده است.

و جالب تر اینکه شوریده در سرودن ابیات مقفی با تنوع زائد الوصف بخصوص واژه های بومی گوی
سبقت را از دیگر شاعران بویژه شاعران معاصر خود ربوده است. مثلاً در قصیده معروف «موت الرجال»
در این قصیده ۱۲۱ بیتی با مهارت تمام ابیات مقفی را سروده است. قافیه هایی بی نظیر از این قبیل:
اشک، الچک، سگ وک، بفلک، لچک، کجک، تک و لک، بعلک، نُچک، چک، وُرک، بیجک، حک، ونک،
ترتیزک، گزلك، یکچارک، چنیک، و ... و یا در قصیده معروف «جشن سیاهان: با ابیات مقفی روبرو
می شویم که در این قصیده نیز دارای تنوع فراوانی است. از قبیل: پیروسکی، چروکی، کوکی، بیوکی،
دوکی، چوکلوکی، سوکی، سیرموکی، بروکی، کوکی، فوکفوکی، و گوکی، مروکی، پرپروکی و ...
ابیات زیر را می بینیم:

پیشخدمت گلپهار و نرگس و باجی قدم خیر پایشان تنبان سرخی دستشان غلبان کوکی
فضّه چون بالشتک ماری همی زین جو بان جو بر جهد یارب که بیرون آورد پایش پیوکی
(ج ۱، شوریده، ص ۴۶۶/ب ۴۵)

۲-۳- صور خیال در شعر شوریده:

شوریده شاعر نابینای معاصر از معدود شاعرانی است که تمامی ترفندهای شاعرانه را بکار برده تا یک
فضای تخیلی (هنری) زیبایی بیافریند. او در ابداع عناصر خیالی و مضامین بکر و بدیع استاد است. و
برای رسیدن به این مقصود در کنار تجربه های فردی با تکیه بر عنصر خیال شعری متمایز بیافریند
که مهمترین نقش را در سبک شناسی شعر ایفا میکنند. بگونه‌ای که مخاطب خود را دچار اعجاب
میکند. یکی از خصایص برجسته صور خیال او گرایش به تشبیه است « و در اشعار او تشبیهاتی وجود
دارد که جز آنکه شخص برای العین مشبه و مشبه به را دیده باشد از اتیان با آن عاجز خواهد بود
ولی وی بواسطه قوه دراکه و فراست و هوش بهتر از بینندگان آنرا در شعر آورده و وصف فرموده است.
و در حقیقت مثل کلام معروف بود که فرموده‌اند؛ یری العاقل بقلبه مالایری الجاهل بعینه» (شوریده
شیرازی، علی اصغر حکمت؛ ۳۵۹)

۱-۲-۳- تشبیه:

آنچه در بررسی تشبیه شعر شوریده مهم است تازگی آن است. بطوری که که بسامد تشبیه های تازه و بدیع در شعر او بسیار بالاست. یکی از قصاید او که الحق نیکو قصیده ایست. قصیده « جشن سیاهان » است. رستگار فسایی مینویسد:

«بسیاری از اشعار شوریده در نمایش اوضاع و احوال اجتماعی و فرهنگی روزگار وی اهمیتی خاص دارد و مورد توجه معاصرانش قرار گرفته است. معروفترین شعر شوریده در این باب « جشن سیاهان » است که نه تنها موقعیت اجتماعی و فرهنگی سیاهان را در منزل مشیرالملک و در شیراز آن زمان، نشان میدهد، بلکه اسامی و عادات و رفتار و لباس پوشیدن سیاهان را به زیباترین شکلی بیان کرده است و حتی لهجه و نوع سخن گفتن آنها را به تصویر کشیده است. (شوریده شیرازی، رستگار فسایی، ۶) و این موضوع با توضیح و توصیف تشبیه های دیوان شوریده و ذکر نمونه‌ها قابل اثبات است: نمونه‌ها:

کرده در باغ مشیر الملک مهمانی زُزوکِ هر طرف اندر خرامیدن خزوکِ با خزوکِ^۱
(ج ۱، ص ۴۶۵/ب ۱۴)

زیبایی تصویر بیت در این است که مهمانی که همه اجزای آن سیاه پوست هستند. «دده سیاه» به نمایش گذاشته میشود که این مهمانان هم مانند سوسک سیاه و جوجه تیغی هستند که در این تشبیه مضموم وجه شبه تخیلی آن و سیاهی و تیرگی به زیبایی بیت افزوده. و نیز:

زعفران چسبیده بر آن قلیه‌های زعفرانی همچو در احشام قشقای سگی بر چو کلوکی^۲
(همان، ۴۷۷/ب ۷)

شاعر این تشبیه مرکب را به گونه‌ای آرایه داده است. که بر دل خواننده چنین می‌گذرد که میان علاقه مندی به قلیه های زعفرانی و چو کلوکی مشابهتی است، اگر چه در اصل دور باشد. و این که شاعر چگونه تصویر را با دیگر عناصر تلفیق می‌کند، به گونه‌ای که مخاطب را دچار اعجاب می‌کند و به او لذت هنری می‌دهد. این ابیات نیز از بدایع تشبیهات اوست:

^۱ برای مطالعه کامل این قصیده زیبا به دیوان شوریده ج ۲ به تصحیح احسان فصیحی (صص ۳۰۸-۳۰۴ و دریای گوهر حمیدی شیرازی جلد سوم صص ۴۱-۳۹) و انجمن های ادبی شیراز از حسن امداد (صص ۲۶۱-۲۵۸) مراجعه کنید.

^۱ معنی واژه ها: ززوک: «گفتنی است که «ززوک» در لهجه شیرازی به معنی جوجه تیغی است هر چند شارح دیوان، فرزند شوریده، آن را به معنی سوسک سیاه نوشته است. خزوک همان گونه که شارح نیز نوشته در شیراز به معنی سوسک است.» (خوان خنده، فرهنگ تعبیرها و عبارات های طنز آمیز، ثابت؛ ۲۱۰-۲۰۹)

^۲ چو کلوک (chôkalôk) به ضم کشیده اول، این کلمه ترکی است. کشک تر، لور، لورک، یک نوع لبنیات است که سگها بدان علاقه زیاد دارند. (واژه ها و مثللهای شیرازی و کازرونی، بهروزی، ۲۱۴)

خرکی شوخ ترک از خرک شوخ عزیز
 چون زن پیر نباشد که بکاهد نفسم

خرک عیسیش از فخر بود چاکرکا
 نفس تازه بود چون نفس دخترکا
 (ج ۱، ۱۵۹/ب ۰۸)

مرد لافنده به طبل تهی اشکم ماند
 چه شد که بلبل طبعم نمی سرا ید باز

که میان خالی و بانگ من و مائی دارد
 (ج ۱، ۲۳۲/ب ۵)

نان گران گشت بدان گونه که مه را بر چرخ
 مادر بهروز مشک افروز بدپوز از دو جانب

عروس فکرت من رخ نمی نماید باز
 (ج ۱، ۲۹۶/ب ۱)

سررو اگر خواندمت غلط خواندم
 جهان رعنا زنی باشد هوا جوی

قرص خوان یافته در سفره پندار شدم
 دست و پائی همچو خرچه گردنی مانند دوکی
 (ج ۱، ۴۶۶/ب ۶)

سررو را کین کمان ابرو نیست
 (ج ۱، ۵۱۲/ب ۰۹)

سررو را از پی اوصاف تو در حجله شعر
 چو دید آن حالت پور جوان را مادر پیرش
 مسلسل زلفکانش گشت همچون حالش آشفته

نپاید جاودان با مردی این زن
 (ج ۱، ۵۸۵/ب ۰۱)

طبع شوریده عروسی است که پولک زده است
 (ج ۱، ۷۲۵/ب ۰۴)

ز هایاهای گریه خنده زد ابر بهاری را
 پریشیدند بر خاک زمین مشک تزاری را
 (ج ۱، ۲۸/ب ۰۱)

عروس طبع مرا این چه شور بختی بود
 نزلهایی که بهر وی شد جمع
 ز آتش انتظار قلب مرا
 سوخت مغز مرا چو تنباکو

که بکر ماند و تنی در جهان نمیند مرد
 (ج ۲، ۹۶/ب ۱۳)

همه را چون دلم پریشان کرد
 همچو قرص کلوجه بریان کرد
 بانگ هر غلغلی که غلیان کرد
 (ج ۲، ۱۳۲/ب ۱۳-۱۱)

چو روی غالیه مویان دل ربا آورد
 (ج ۲، ۱۴۵/ب ۰۱)

چو چشم ترکان باشد سیه ولی بیدار
 (ج ۲، ۱۶۲/ب ۰۵)

که سحر خیزد و هی آرد بیزد به عکک
 (ج ۲، ۲۰۷/ب ۰۴)

ابر برفین به مثل همچو زن نانوائیست

سیاه چرده کنیزی به موی خرچنگی در آمد از در من زیر چانه در زده چنگ
چو زلف چنگ سیه رخ دژم روان پژمان به سان زنگی بد خو بر ابروان آزنگ
(ج ۲، ۲۰۹/ب ۴۵)

۲-۲-۳- استعاره:

نمونه هایی از استعاره مکنیه در شعر شوریده:

پا گشا کرده عروسان چمن را شمشاد همه جمع آمده در محضر سیسنبرکا
(ج ۲، ص ۱۹/ب ۹)

در این بیت شاعر با باوری شاعرانه مهمانی عروسان چمن را در محضر سیسنبر به گونه ای جلوه داده است که شمشاد (استعاره مکنیه) آن ها را پاگشا کرده است. در ضمن این بیت به یکی از رسوم زیبایی عامیانه یعنی پاگشا کردن هم به خوبی اشاره کرده است.

ویا: ختنه سورانی سرو است و عروسی گل کن تماشای رَسَن بازی نیلوفرکا (ج ۲، ۱۹/ب ۷)
در این بیت شاعر در یک چیده مان زیبایی هنری هر سه نوع استعاره مکنیه «ختنه سورانی سرو»، «عروسی گل»، و رسن بازی نیلوفرکا را با مهارت تمام به نمایش می گذارد. که در نوع خود نادر و بی نظیرند.
و نیز:

دلَم از فراق خون شد مَهَم از سفر نیامد همه جا زمن خبر رفت و از او خبر نیامد
(ج ۱، غزلیات، ۵۴/ب ۲)

مَهَم استعاره مصرحه از معشوق زیبا رو گویی شاعر در پی آنست که چهره محبوب خود را با زیباترین تعبیر یعنی ماه تابان و درخشان توصیف کند.

استعاره های بدیع و دل پذیر در دیوان شوریده کم نیست. این ابیات نیز از بدایع آثار اوست:

بگشای گوش هوش که در خلوت صبح خوش لذتی است زمزمه صبحگاه را
(ج ۱، ۵۰۰/ب ۱۰)

این سلحشوری بس است ای ترک شهر آرا که ما رخت بر دروازه بنهادیم یغمای ترا
(ج ۱، ۵۰۱/ب ۶)

چشم هوا که آن چنین سپید شد از برف داروی وی میل اکتحال زکال است
(ج ۲، ۶۵/ب ۱۰)

ولیک دوش چنان فتنه ای به باغچه سر زد که از توهم آن چانه سپهر کچین شد
(ج ۲، ۱۵۶/ب ۶)

فلک ار کرد خطائی به تو دل رنجه مدار زان که تا بوده همین بوده مدار فلکی
(ج ۲، ۳۲۸/ب ۸)

۳-۲-۳- کنایه:

در شعر شوریده کنایه جایگاه خاصی دارد. که اغلب کنایات وی بر گرفته از فرهنگ و زبان عامه مردم هستند. و یا کنایاتی که از زندگی تجربی و اجتماعی شاعر سرچشمه میگیرند. مانند: آب از سرش گذشته، بجان رسیدن، بند شل بودن، بالاتر از سیاهی زندگی نبودن، به جوش آمدن، به خون کسی تشنه بودن، پا از گلیم خود کشیدن، پای خود را روی سر کسی گذاشتن، پشت پا زدن، تازه نفس، «تُلی نریده واسی خودش نیدُشته»، چشم و چراغ، خشک و تر با هم سوختن، دل از کسی کندن، دهن کسی بوی شیر دادن، روز کسی سیاه شدن، زخم کاری، کارد به استخوان رسیدن، الخ. زبعد آنهمه الطاف و مهربانیها بهل که کار بجان کارد به استخوان رسد (ج ۱، ص ۲۶۸/ب ۱۱)

و بخش دیگر کنایات وی کنایات بعید هستند. یعنی کنایاتی دیر فهم از نوع ایما و رمز و تلویح. و بخصوص در انواع هجو این نوع کنایه را به خوبی اعمال کرده است. زیرا شاعر میکوشد سخن خود را به شیوه پنهان ارائه دهد. تا در این همراهی و تلاش ذهن خواننده را از ایستایی باز دارد و او را به تکاپو وا دارد. که این خود نیز از شگردهای هنری شوریده بوده است:

زینگونه جریده ها بایران جز شنعت و شین و شور و شر چیست
(ج ۲، ص ۷۰/ب ۹)

دزدان کهن شدند نوبخت^۱ یک خطّه و اینهمه خطر چیست
(همان/ب ۱۲)

با شخص فسیح فاضل پیر این مخصه تو ای پسر چیست
(همان، ص ۷۳/ب ۱)

مادر پدر تو داند او را این ناخلفی بدین پدر چیست...
(همان،/ب ۲)

چنانکه ملاحظه میشود در بیت پایانی شوریده با زیرکی تمام و به کنایه و تلویح خود را پدر او میداند. نمونه‌های دیگر از کنایات بدیع شوریده:

ماه دیگر نشسته بر کرسی دست مالنده بر برُوت و سمیل
(ج ۲، ۲۱۴/ب ۷)

کنیزکی که به من وعده خان یاغی کرد چنان ورنگرانم که گر سینه نان را

گمانم آن که به تاراج شد بکارت وی ندانم آن که چه گویم جواب حَمدان را
(ج ۲، ۳۳/ب ۱۱ و ۱۰)

از دیگر آرایه‌های ادبی در دیوان شوریده می توان موارد زیر را نام برد:

^۱ نوبخت در روزنامه‌ی خود که از شاهزاده نصرت‌السلطنه حاکم فارس نکوهش و کاریکاتوری کشید و از شوریده نیز نامی به کنایه برد. از تیررس انتقاد شوریده در امان نماند و اشعاری سرود و در جرائد منتشر کرد.

| | | |
|----------------|--|---|
| ایجاز و اختصار | عیب شیرازیان مکن که خطاست | چادر ار رفت دَیرکش برپاست (ج ۲، ۸۶/ب ۶) |
| ماده تاریخ | سرود منطق شوریده بهر سال وفاتش | مقام بین که براهیم دون فدای سَرین شد (همان، ۱۵۷/ب ۴) |
| تشبیه تفضیل | سرو اگر خواندمت غلط خواندم | سرو را کاین کمان ابرو نیست (ج ۱، ۵۱۲/ب ۹) |
| ازدواج | نغمات مَلَکَی و حرکات فلکی | همه موقوف یکی نغمه انسانی بود (ج ۱، ۵۴۱/ب ۲) |
| استدراک | مردم گهرناب بخرند بزرلیک | جان داده و بخریده اینم ایدوست ترامن (همان، ۵۸۳/ب ۶) |
| حسن تعلیل | غزل زلفظ تو شوریده ز آن سبب شده شیرین | که مدح خسرو عادل ملک مظفر گویی (همان، ۶۰۵/ب ۱) |
| جناس مرکب | کی دلت می‌دهد ای شاهدک بازاری | که تو باز آئی و مار را بطرب بازاری (همان، ۶۱۰/ب ۹) |
| مراعات النظیر | بیدقی ران تو در این عرصه که فرزین گردم | مهره ام را برهان از خطر ششدرکا (ج ۲، ۲۰/ب ۱۵) |
| استشهاد | بنده شوریده بی دیده فصیحم مپسند | که ز بهرخری اینگونه شوم مضطرکا (همان، ۲۱/ب ۱) |
| تلمیح | خرکی شوخ ترک از خرک شوخ عزیز | خرک عیسیش از فخر بود چاکرکا (همان، ۱۱/ب ۱۱) |
| تضاد | معا شران را امروز آ شرتی دگر است | که صبح وصل بسر برد شام هجران را (همان، ۲۹/ب ۸) |
| تنسیق الصفات | شومی - غری - بدی، دغلی - ممسکی - نفاق | در حیرتم چه عیب دراو نا آفریده ماند (همان، ۱۰۵/ب ۱) |
| اطراد | لکلمکان زین لقب بننگ درند | زین لقب وارهان نه من همه را زاده بوا لحسن خراشکنه را (همان، ۴۴/ب ۲) |
| اقتباس | برای کار محبت کدام خوبترند | جواب داد که خیر الامور اوسطها (همان، ۴۴/ب ۲) |
| حشوملیح | بی صفیر آب نمی خورد چون من می بی چنگ | |

| | | |
|-----------------|--|---|
| تقسیم: | مراکنیز و غلامی به خانه در خور است | باد یاد تو <u>بخیر</u> ای خرعالی مشرب (همان، ۴ب/۵۲) |
| ملّمع: | شهر خالی شد از قوآمین | غلام خواجه پرست و کنیز خدمتکار (همان، ۹ب/۱۶۱) |
| ذمّ شبیه به مدح | گلوله خوردی و از دست مرگ جان بردی | لیس فی الدّار غیره دیار (همان، ص ۱۶۲/ب ۷) |
| ارسال المثل | آری اندر مثل مناقشه نیست | گذشته زینکه بصد مرگ داری استحقاق (همان، ۸ب/۱۸۷) |
| اضراب | هر چند که کاهیده ز ضعف اعضايم <u>بل</u> در غم آنم که مبادا در گور | مردن خر بود عروسی سگ (همان، ۱۱ب/۱۹۸) |
| قلب بعض | آن نواهای <u>حجاز</u> چنگی | در حسرت آن نیم که کمتر پایم از عهده مهمانی موران نایم (همان، ۲۵۷/ب ۵۶) |
| سؤال و جواب | گفتم که چیست در خور نزل تو گفت جان | شد مبدل <u>بجهاز</u> جنگی (همان، ۹ب/۳۳۷) |
| تهکم | بود سزای دو صد مرحبا علی آقا بخورد مال یتیمان که کردشان پدری | گفتم کی است نوبت این فدیة گفت هان (ج ۱، ص ۳۹۷/ب ۴) که بعد مرگ پدر خوب زندگانی کرد ^۱ پلنگ گرسنه بر گله کی شبانی کرد (همان، ۱۴۵/ب ۱۱ و ۱۰) |

نتیجه گیری:

شوریده شیرازی، شاعر روشندل توانمند، از شاعران نامدار معاصر شیراز و از پیشگامان ساده‌سرایی در دوره قاجار است. شعر شوریده شیرازی از سرچشمه های سبک بازگشت محسوب می شود. او به شیوه استادان خراسان و فارس می‌سروده است و الحق سهم بسزایی در دوره بازگشت ادبی دارد. اما با وجود بازگشت به سبک خراسانی به نیکی از عهده کاربرد اصطلاحات و کلمات و اختراعات جدید

^۱ شوریده این بیت را درباره یک تن از متجاوزین پس از مرگ پدرش و تجاوز به مال برادر و خواهر صغیر یتیم خویش سرود (دیوان، ص ۱۴۵، شرح حسن فصیحی)

در زمان خود برآمده است. که می توان نمونه هایی از آن را در قصیده « حماریه »، « جشن سیاهان »، (چل کچلک)، « موت الرجال » دید. در تفکر شوریده، انتقاد، در جنبه های گوناگون آن، هجو، هزل و مطایبه و طنز از جایگاه ژرفی برخوردار است. طنزی حقیقی و واقع گرا که لبه تیز خود را به افراد، به اجتماع و معایب عمومی جامعه خود متوجه ساخت. و آن را در خدمت اهداف سیاسی و اجتماعی به کار برد. همان طنزی که تکامل یافته آن را در انقلاب مشروطیت می توان جست. اما در کلام شوریده به مانند نظامی عفت کلام بیشتری به چشم می خورد. حقیقت را عریان می کند امام دامان سخن را به رکاکت نمی آلود. شعر شوریده در برگزیده مدح و منقبت ائمه طهار و برخی را از شاعران و امیران قاجار و فارس است اما هیچگاه افراط نکرده. او هیچگاه هنر شاعری را دستاویز مدح خسان نکرده است. زبان شعری او در آثار جدی وی به ویژه قصاید فخیم و استوار و در آثار مطایبه آمیز و هزل و هجوهایش عامیانه و تا حدی تند و بی پرواست. در سرودن اشعار عامیانه و مطایبه های شیرین به لهجه محلی شیرازی و گاهی لری ید طولایی دارد. و همانند یک سمفونی زیباگوش را نوازش می دهند. که حفظ و نگهداری آن اشعار بر اهل ذوق و ادب واجب است. از نظر ویژگی ادبی و هنری باید گفت اغلب اشعار شوریده مردف هستند. و در سرودن ابیات مقفی بخصوص واژه های بومی گوی سبقت از دیگر شاعران معاصر خود ربوده است. شوریده در آفرینش صور خیال و برجستگی های خیالی آنها از تشبیه، استعاره و کنایه و مجاز و صنایع بدیعی خیال انگیز موسیقی ساز، تواناست. این عناصر خیالی مهم ترین نقش را در سبک شناسی شعر او ایفا می کنند. و تکیه بر همین عنصر خیالی است که شعر وی را نسبت به معاصران خود متمایز می کند. شوریده تشبیهات نو و بدیعی دارد. تشبیهاتی که حتی یک شخص با نعمت قوه باصره از ایشان به مثل عاجز مانده. اما به واسطه هوش و فراست خدادادی به مثابه یک استاد ماهر از عهده برآمده و حق موضوع را کماهو ادا فرموده است. از صنایع معنوی دیوان وی می توان به ماده تاریخ که الحق در نوع خود بی نظیرند و ایجاز و اختصار، تناسب، حسن تعطیل، استدراک، تلمیح، ملمع، تنسیق الصفات، اغراق، انواع جناس ها، حسن اعتداز، ذم شبیه به مدح، تهکم و ... اشاره کرد. بسیاری از اشعار شوریده به عنوان شاهد شعری در لغت نامه واژه ها و مثل های شیرازی و کازرونی و سایر فرهنگ های شیرازی مورد استناد قرار گرفته اند.

منابع:

۱. ابداع الدایع (جامع ترین کتاب در علم بدیع فارسی)، گرگانی، به اهتمام حسین جعفری با مقدمه جلیل تجلیل، گرگانی، محمد حسین شمس العلماء، انتشارات احرار تبریز، چاپ اول، زمستان. ۱۳۷۷.
۲. ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران: سخن. ۱۳۸۰.
۳. از خشت تا خشت، کتیرایی، محمود، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۸.
۴. از صبا تا نیما، آریان پور، یحیی، آزادی/تجدد، تهران، انتشارات زوآر، چاپ پنجم. جلد دوم، ۱۳۷۲.

۵. از صبا تا نیما، آریان پور، یحیی، تهران: انتشارات زوار، چاپ پنجم. جلد اول، ۱۳۷۲.
۶. انجمن های ادبی شیراز، « از اواخر قرن دهم تا به امروز»، امداد، حسن، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۷. انواع ادبی، شمیسا، سیروس، انتشارات فردوس، تهران، چاپ هشتم. ۱۳۸۰.
۸. تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت، خاتمی، احمد، تهران، انتشارات پایا، چاپ هشتم. ۱۳۸۰.
۹. تذکره شعائیه، به تصحیح و تکمیل و افزوده های محمود طاووسی، شعاع شیرازی، محمد حسین، شیراز: بنیاد فارس شناسی. ۱۳۸۰.
۱۰. خوان خنده؛ فرهنگ تعبیرها و عبارات های طنز آمیز متداول در لهجه شیرازی؛ ثابت، عبدالرحیم؛ شیراز: نشر؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد جهرم با همکاری بنیاد فارس شناسی، ۱۳۹۳.
۱۱. دانشمندان و سخن سرایان فارس، رکن زاده، محمد حسین، آدمیت، ناشر، کتاب فروشی های اسلامی و خیام، تهران، خرداد. ۱۳۳۹.
۱۲. دیوان کامل ایرج میرزا، تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار و خاندان و نیکان او، به اهتمام محمد جعفر محجوب، نشر اندیشه. ۱۳۵۳.
۱۳. شعر بی دروغ، شعر بی نقاب، زرین کوب، عبدالحسین، تهران، انتشارات علمی، چاپ یازدهم. ۱۳۹۲.
۱۴. شهر آشوب، شیخ زاده، سمیه، پژوهشکده باقرالعلوم، (روی خط اینترنت)، نقل شده تاریخ www.pajooh.com ۱۳۹۵/۵/۱۵ قابل دسترسی در:
۱۵. صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمد رضا، تهران: نشر آگه، چاپ شانزدهم. ۱۳۹۲.
۱۶. فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسائی، فسائی، میرزا حسن حسینی، تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۷.
۱۷. فرهنگ فارسی عامیانه، نجفی، ابوالحسن، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ اول. ۱۳۷۸.
۱۸. فرهنگ مردم شیراز، خدیش، حسن (ایرج)، انتشارات نوید. ۱۳۸۵.
۱۹. کلیات دیوان شوریده شیرازی، به خط و شرح و تحشیه حسن فصیحی شیرازی زیر نظر و اشراف مهدی محقق، فصیحی، خسرو، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران مک گیل، تهران، جلد اول. ۱۳۸۸.
۲۰. کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، تصحیح نشر میترا، تهران: چاپ چهارم از ویراست دوم، بهار. ۱۳۹۳.
۲۱. کلیات شوریده شیرازی (مطایبات، هزلیات، ماده تاریخ ها، به خط و شرح و تحشیه حسن فصیحی شیرازی زیر نظر و اشراف مهدی محقق، فصیحی، خسرو، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران مک گیل، تهران، جلد دوم. ۱۳۸۹.
۲۲. مقاله شوریده شیرازی، رستگار فسائی، منصور، بخش مطالعات خاور نزدیک دانشگاه آریزونا دی. ۱۳۸۸.
۲۳. مقاله، شوریده شیرازی، حکمت، علی اصغر، مجله ارمغان، ش ۷ و ۶، ۱۳۰۵، صص ۳۵۶-۳۵۵.
۲۴. واژه ها و مثل های شیرازی و کازرونی، بهروزی، علی نقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس. ۱۳۴۸.